

او مبالغه بسیار باید کرد و محاکمات حسن ضعیفه او را بطلانی  
 جز با دمه محامد حیدر واجب است و بدین سخن حقیر استحقاق  
 نماید که چه کم من فیه قلیله غلبت ذلته کثرت باذن الله و بعد  
 از ظفر ترک تدبیر نباید نمود و تا ممکن باشد کسی را زنده گیر و قتل  
 نشاید چه در اسیر متاع بسیار است مثل استرقاق و من  
 و خدا که متضمن استحقاق طلب اعدا تو اند و چنانچه نص قرآنی  
 بان ناطق است و بعد از ظفر را اعدا قتل ایشان جایز نباشد  
 مگر آنکه از ترس ایشان بدون قتل امن شود و اند بود و بعد از استیلا  
 عداوت و تعصب را بنحاطر محال نباید داد و چه در خیال اعدا ملوک  
 و رعیت باشند و قصد مالیک و رعای خود کرد و خلاف قاعده  
 عدالت است و در آثار حکما مقرر است که چون با سکنه بعد از ظفر  
 بر شهر شورش از اهل آن نثار باز گرفت از سطا طایب است کتابی  
 مشحون بعبایه نونست مضمونش آنکه اگر پیش از ظفر در  
 قتل خصمان خود معذور بودی بعد از ظفر در قتل زیر دستان خود  
 چه عذر و استعمال عفو از خصایل اکابر ملوک است و موجب

بفر